

علمی استفاده از آیات و حروفست که مؤلف فقیر در اختیار طالبان عالم  
ایشان الله تعالی گذاشته بسیار التماس دعا دارم والسلام علی من تسبیح الله

☆ آیه ۱۱۱

صفر و الف کیده مدی بر سر  
باجهار الف و باء وادی معکوس  
بسی کج دکول نزد بانی در بر  
اینست یقین نام خدای اکبر

شکل بالا را که مشاهده میفرمایید شرفش نام دارد و مؤلف فقیر مقداری از  
شرح آنرا در کتاب گنجینه اولیا، صفحه ۱۷۷ توضیح داده ام ولی از نظر اهل دعا  
و این علم عظیم شرفش و اسمایکه از آن استخراج میشود بسیار اهمیت دارد

محمد و علی ۴

عرفاء و اهل طریقت بر آنند که شرفش هفت حرف است و محمد و علی ۴  
نیز هفت حرفست و چیزی جز این نیست که نام مبارک محمد و علی ۴ است و  
اهل علوم غریبه بر آنند که یک از آن هفت حرف الله است و شش حرف دیگر آن  
شش حرفی است که در سبع المثانی نیست و آن معروفست با سماء، قمر، و اسماء  
قرنیز این است فرد جبار شکر ثابت ظمیر خیر زکی

شیخ بهائی رحمه الله تعالی در اطراف اسم مبارک اعظم اشعار مطولی دارد که مقدار آن

هشت حرفست بر تریب و نظام  
بطحرفش چهل گشته تمام

مؤلف فقیر گوید: اشتباه در چاپ شده و هفت حرف است بر تریب و نظام  
و منظور شیخ چهل هفت حرف بوده و بعد میفرماید: نوزده حرف رسانند این اسم  
اولش آنکه گشتی تو طلسم: مؤلف فقیر گوید: نوزده حرف متناوب اسم الله الرحمن  
الرحیم است و قس علی هذا.

سبع المثانی

شیخ بهائی علیه الرحمه که استاد ما است میفرماید:

رقم کن شانزده در شانزده سبع المثانی  
چو کردی اینچنین چون تاج بر زق سر جاده  
به تلبیث قریب از بره با خورشید  
که بهر خدمت آید ز جرح توین ناپید

باین سبع المثانی را در مرتب پر کردیم چون برای شخص مؤلف مرتب سازگار بود.

۷۸۶

۲۵۲۷	۲۵۲۴	۲۵۲۱	۲۵۲۵
۲۵۳۵	۲۵۲۰	۲۵۲۲	۲۵۳۰
۲۵۴۳	۲۵۲۹	۲۵۳۶	۲۵۲۹
۲۵۳۲	۲۵۴۴	۲۵۳۸	۲۵۳۳

مجموع عدد آن ۱۰۱۴۷ میباشد

اسماء	اعداد	اسماء	اعداد	اسماء	اعداد
رجاء	٢٠٤	بيكياتي	١٩٧	القديم	١٨٥
جاء	٢٠٤	مدعو حكيم	١٩٨	الدافع	١٨٦
جاءاً	٢٠٥	مطف	١٩٩	واقف	١٨٧
جابر	٢٠٦	منعم	٢٠٠	يا واصف	١٨٨
جبار	٢٠٦	عاصم	٢٠١	المحن	١٨٩
السد اعلى	٢٠٧	نافع	٢٠١	مقيم	١٩٠
رباه	٢٠٨	قاسم	٢٠١	معلن	١٩٠
نقط	٢٠٩	قاسم	٢٠١	فاتح	١٩١
الاطلق	٢١٠	سامن	٢٠١	المانع	١٩٢
فاتح	٢١١	قال	٢٠١	بانتصب	١٩٣
صانع	٢١١	رب	٢٠٢	السابق	١٩٤
منقّب	٢١٢	بر	٢٠٢	صادق	١٩٥
بارئ	٢١٣	بار	٢٠٣	اصدق	١٩٥
روح	٢١٤	صديق	٢٠٤	المفعم	١٩٦

اسماء	اعداد	اسماء	اعداد	اسماء	اعداد
امر	٢٤١	موفق	٢٢٦	طاهر	٢١٥
الصانع	٢٤٢	يا الله الحسن	٢٢٧	الطهر	٢١٥
يا كبير	٢٤٣	الله السلام	٢٢٨	يا حي القيوم	٢١٦
البارئ	٢٤٤	حكم المحاكين	٢٢٩	يا جبار	٢١٧
المحصي	٢٤٥	منعم	٢٣٠	بدن اسماء	٢١٨
مدبر	٢٤٦	المنعم	٢٣١	يارباه	٢١٩
محقق	٢٤٨	كبير	٢٣٢	طور	٢٢٠
مارح	٢٤٩	الرب	٢٣٣	هو المطلق	٢٢١
راحم	٢٤٩	البار	٢٣٤	رائي	٢٢١
راخا	٢٥٠	الحار	٢٣٥	يا صانع	٢٢٢
يا مقسم	٢٥١	يا حي القيوم	٢٣٦	تسبيح	٢٢٢
يا امر	٢٥٢	ابجبار	٢٣٧	اكبر	٢٢٣
نجير	٢٥٣	الله المنان	٢٣٨	يا بارئ	٢٢٤
نظير	٢٥٤	مفضل	٢٤٠	يا روح	٢٢٥

اعداد	اسماء	اعداد	اسماء	اعداد	اسماء
۲۵۴	زید	۲۶۰	باراحم	۲۶۶	مکوز
۲۵۵	محز	۲۶۱	ماکر	۲۶۷	بانور
۲۵۶	نور	۲۶۱	اکرم	۲۶۸	بانور
۲۵۷	انور	۲۶۲	القاصم	۲۶۹	بابرمان
۲۵۸	برمان	۲۶۳	الکبیر	۲۷۰	رکن
۲۵۸	رحیم	۲۶۴	مدک	۲۷۰	دوبوخر
۲۵۹	رحمان	۲۶۵	یا مرید	۲۷۰	ملک قدس کریم

اللهم ارزقنا علماً نافعا ورزقا واسعا وعمر أطول واجت محمد وآله الطاهرين  
 یوحید ۶۳۲ - یوحاید ۱۳۱۹ - یوحاید ۶۲۳ - یوحوت ۱۰۲۲ - یس ۷۰  
 پس از اینکه مآول حروف اسماء الهی را در نظر گرفته و بیت و شت حروف را  
 درج نمودیم نتیجتاً این اسماء زیر خلاصه وحید و فرید بنظر رسید و میتوانیم  
 اسم مبارک اعظم را در آن بیشتر جستجو کنیم  
 ۱: یو - ۲: لطیف - ۳: حیوم - ۴: قیوم - ۵: سلام - ۶: قدس

۷: سبح - ۸: بدوح - ۹: ذی الطول - ۱۰: رت - ۱۱: رحیم والبتة الله  
 جامع کلیه صفات حق است  
 ولی بیچ اسی نیست که اول آن یا باشد جز یوحاید که نام مبارک مادر موسی ۴  
 است داسی است که شیخ ابل بهاء الدین محمد العالی المحدث بهائی  
 نور الله مضجعه و قدس الله روحه بدان اشاره فرموده

بخوانگت حق اندر تورات	در صحف گفت خدایش نجات
بشت حرفت ترتیب نظام	بطحرفش چهل گشته تمام
لفظش نوزده از روی جمل	بست چون مدخل باسط عمل
اولش میم چهارم لام است	سیتم شهره در این ایام است
طا بود آخرش حرف دراد	نکته سنجی که بفهمد نیکو

اللطیف

هو الله لا اله الا هو: سورة القصص: فيكفكم الله وهو السميع العليم  
 اللطيف بياوه يزرق ن يشاء وهو القوي العزيز

اولش بنده آخر سین است متصل در وسط یاسین است

هو الله الملك القدوس

چهارده حرف رساند این اسم  
اولش آنکه گشائی تو طلسم

یا مدوح یا سبوح یا قدوس

☆ ا ا م ا a

بَدْوَحِ اللّٰهُ الْمَلِكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ : وَهُوَ اللّٰهُ الْمَلِكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ .

مفرد الف کتبه می بر سر  
بسی کج د کول نزد بانی در بر  
با چار الف و با و دای معلوس  
این است یقین نام خدای اکبر

خفیه گوید بیشتر با سمانی باید توجه نمود که حق در کلام خود اشاره بآن نموده مثل  
و هو العلی العظیم و هو العلی الحکیم .

بست در مصحف مابعد سیم

در میانهای سور در حایم  
اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاِنَّ فِيْ اَمْرِ الْكِتٰبِ لَدِيْنَا لَعَلٰی حَكِيْمٌ وَّبَشِيْرٌ يُّنۡبِئُ بِمَا اُرۡسِلۡتُمْ عَلَيْهِ  
مَثَلٌ وَّهُوَ الْعَفۡوُفُ الرَّحِيْمُ وَّهُوَ اللَّطِيْفُ الْبَخِيْرُ وَّهُوَ الرَّسِيْمُ الْعَلِيْمُ وَاَللّٰهُ بِصُوْرَتِكَ اَكْبَرُ  
دَرَّ اَمَدٌ : اللّٰهُ يَسْبُدُ الْاَخْلَقَ : اللّٰهُ يَسْبُدُ الرِّزْقَ . وَّبَشِيْرٌ دَرَّ اَمَدٌ اِيَّ اِحْتِمَالٍ يَسْبُدُ  
اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ : وَحَضْرَتُ مُوْسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُوْا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتٰى الْكِتٰبَ  
دَرَّ اَمَدٌ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِسْتَدْرَجْتُمُوْنِيْ وَارْحَضْتُمُوْنِيْ سُوَالٌ شَدِيْدٌ بِسْمِ اللّٰهِ يٰ حَقُّ فَرَمُوْا  
اِيَّ بَسْمِ اللّٰهِ يٰ حَقُّ : بِرَتْبِهِ خَدَا اِبْلَسِيْرٌ وَاَمَّا كَقَعَةِ اَمَدٌ « اِسْمٌ عَظِيْمٌ » دَرَّ اَمَدٌ

مبارک که چهارده معصوم علیه السلام است و خارج از آن نیست و نامهای چهارده معصوم  
بیش از هفت اسم نیست محمد . علی . فاطمه . حسن . حسین . جعفر . موسی .  
و بقیه تکرار است یعنی چهار محمد . چهار علی . دو حسن . \* \* \*

فقیر گوید : اسماء مبارکه فوق را اینطور بشود خواند : اللهم انی استسکت بکبن محمد  
و علی و فاطمه و احسن و احسین و جعفر و موسی علیهم السلام ان تقضی حاجتی . و شنیدم  
که مرحوم شیخ مرتضی انصاری (زه) مدت هفتاد سال زحمت کشید و بسیار دعا  
خواند و از حق طلبید که با و ذکر می تلقین شود که بآن متصل شود و آخر الامر در عالم رویا  
صافه دید که با و فرمودند بخواند : اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بیها و بینها بعد و ما احاط  
به علمک . ولی خلاصه مطلب آنکه اسم مبارک عظم در فقط محمد و علی است

و فقط هفت حرف بدون تکرار است \* و در اطراف اسم عظم اهل دعا  
بطور مفصل هر یکی در حدود معلومات خود شرحی داده اند ولی اشاراتی که شیخ بهاء  
(زه) نموده بیشتر در این ادعیه که خواهد آمد دیده میشود . \* \* \*

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

از آنجمله دعا امام موسی است که گفته اند برای هر مهمی هفت مرتبه در قفل بسته شده  
یک مرتبه بخواند باز میشود دعا این است : رَبِّ هَبْ لِيْ رَجُلًا مِّنْهُمُ الصّٰدِقِيْنَ



شاید باز بهشت اسم باشد که مجموعاً چهل حرف شود و اولین اسم آن علی باشد و در آن محیط منزل و طه و نسیس و لطیف نیز باشد و اسم شرف شمس بعقیده نگارنده همان لاله الا الله است و بس و چون شیخ بهاء دره میگوید: \* \* \*  
 در سه جا مصدرش دال است \* در سه آیه ای از انفال است  
 باید دیان و دائم دعا می باشد و اگر بهشت اسم باشد: نقطه اش نوزده در زحل است چون مثل باسط بل: صحیح است و لغزش در است نیت « دیگری بگوید»

کاف و ما و یا عین و صاد آمد	آیه دیگرش مراد آمد
اول آیه است فاته خبر	تا به الراجحین نهایت میرسد
حافظاً و سوار همش وسط است	راست است این تمامی بی غلط است

و ایشان نیز گواهی بحروف مقطعه داده اند ولی منظور اصل بنظر سه همان حرف مقطعه است ولی باید آنها را مزوج و متصل نمود شاید همین حرف مقطعه اشاره بحروف اول آن بهشت اسم است ثلاً کاف اشاره به کافی باشد و لا اشاره به ی و و یا اشاره به یوب و عین اشاره به علی و صاد اشاره به صد و الف اشاره به الله و ییم اشاره به حی در اشاره به رحمان یا رحیم و باید این بهشت اسم چهل حرف باشد و نوزده نقطه داشته باشد و مخفی ننماند که یا اول اسماء الهی در عربی

نیت مگر در سری یا عبری و فارسی که یزدان است ولی در اکثر اسماء الهی در عربی وسط اسم قرار دارد و گمانیکه در کتب بعضی نیز در وسط قرار دارد و این نیز بعقیده فقیر عظمت و بزرگی این حرف را میسرماند: مجید. حمید. قیوم. بکیر. عظیم. سبع. رنج. رحیم. سبع. شفع. سترخ. فرید. وحید و غیره و عظمت آیه الکرسی در این دو آیه است که: الله لا اله الا هو احمی القیوم و هو العلی اعظم یا. والله سبع عظیم: و شیخ نیز فرموده است \*

\* خواننده حیوم و کر یک قیوم \* مغزبی گفت که هست او قیوم \*  
 و قیوم بنظر فقیر اشاره به طه می باشد و اینکه میفرماید: اولش هفده آخرش سین است \* متصل در وسط یا سین است: خود یا سین است که در آخر باید گفت بحق طه و نسیس و یا میشود گفت سلام یا سبحان یا رحیم است که در وسط سوره نین میفرماید سلام قولاً من رب رحیم یا سبحان قدوس ربنا ورب الملائکه و الروح و بطوریکه فقیر اسماء الله را عمل نموده باین نتیجه رسیدم که تمام گفته های شیخ بهاء الدین عالی قدس سره چنانچه نام قصیده اسم اعظم ایشان خواهد آمد که میفرماید: حور یا نورا همه بی ستر و نقاب \* بنمودم بر کل اجباب: در عالم رؤیا حتمی است و تجربه فقیر رسیده است و بر حله مشاهده

دیر آمده است و بطوریکه در قرآن مجید آمده است در آیات متعدده و جو  
 فرشتگان و پریان و جنیان غیر قابل انکار است و محل هیچ شبهه ای نیست  
 ولی در قرآن لفظ جن کما اینکه میفرماید جن علیه اللیل یعنی پنهان نمودن بر او شب  
 و در رحم که طفل جنین نامیده میشود یعنی پنهان در اینصورت ظهور این مخلوقات  
 عجیب و اجسام لطیف بمقدان و لا تجد لنت الله تبدیلا و لا تجد لنت الله  
 تحویلا \* غیر ممکن بنظر میرسد و بیع فقیر بسیار رسیده است مردانی بوده اند  
 که تسخیرات علوی سماوی یعنی فرشتگان داشته اند و ایشانرا در بیداری میدادند  
 و همچنین تسخیرات سفلی ارضی یعنی اجنه را نیز داشته اند و ایشان را میدیده اند و  
 با ایشان صحبت مینموده اند و باانات ایشان از دواج و نکاح مینموده اند و چنانچه  
 سخراشان همه گونه کاری از کارهای دنیاچه شکل و چه آسان برای ایشان  
 انجام میداده اند و بعضی بوده اند تسخیرات ارواح نیز داشته اند و ارواح را  
 حاضر مینموده اند و با ایشان صحبت میداشته اند و مشکلاتی را بوسیده ارواح مطهره  
 حل مینموده اند و کتبی بسیار در هند و پاکستان و عراق و ایران در اینگونه بحث  
 تدوین نموده اند و اکنون نیز در افواه گفته میشود که کسانی دارای اینگونه تسخیرات  
 هستند ولی فقیرا زیارت ایشان نائل نیامده و یا این حضرات اسرار را از حقیر

مخفی و پوش داشته و با قبول بعضی از ایشان که دعوی داشتن این مقام را میکنند  
 البته بایمان و اشاره ماوریت افشار این را زرا اندازند و میگویند تا کسی این را  
 را نرود و زحمت بر خود هموار سازد این امر بر او کثوف نگردد « و السلام »

شرائط دعا

مخفی نماید که شرائط اولیه دعا در آغاز سلوک ترک معصیت است که خود سهم  
 بسزائی در پیشرفت روشنائی باطن دارد و بعد ترک خود بینی و خود ستائی و  
 خود خواهی نماید و در مرتبه سوم ترک بدینی نسبت بخلق خدا از اول ما خلق الله  
 الی زمانها چنانچه خود بهشت را وعده بدوستان خود و نیکوکاران داده  
 و دوزخ را جزای کافران و بدکاران و قیامت و حساب و کتابی تعیین فرموده است  
 در مرتبه چهارم: طهارت و تقوی و وضوء علی الدوام و کوتاهی سخن دنیا و ادای  
 نماز فریضه بموجب خود چه در اخبار و احادیث دارد شده است که هر کس بموجب  
 نماز گذارد با نام زبان علیه السلام اقامه نموده است و اگر در مسجد نماز گذارد البته  
 سزاوارتر است و چنانچه بسادات عالیقدر و صحیح النسب اقامه نماید نیکوتر است  
 گرچه سلمان فارسی را فرمود سلمان منا اهل البیت رسول اکرم  
 رسد آدمی بجائیکه بخیر خدا بنشیند بنگر که تا چه حد است مکان آدیت  
 مستدرسه

بسم الله الرحمن الرحيم

عدد بسم الله الرحمن الرحيم - ۷۸۶ و عدد بسم الله تیز در قرآن - ۱۱۴ میباشد  
 بنظر فقیر بر کس نخواهد - ۱۱۴ را به ۷۸۶ بیفزاید نیکو است که میشود نهصد مرتبه و عدد  
 اسم خود را حساب کند مثلا اگر کریم باشد ۲۷۰ عدد به نهصد بیفزاید که بشود ۱۱۲۰  
 مرتبه و اگر عبد الکریم است ۳۷۷ عدد به نهصد بیفزاید که بشود ۱۲۷۷ مرتبه آنگاه در  
 جائی شایسته مثل مسجد خلوت یا طاق پاک یا کنار رواقهای حرم ائمه اطهار  
 علیهم السلام یا امازادگان یا کنار تربت های اولیا و بزرگان و بعد از تمام که  
 البته شروع آن در شب یکشنبه اول ماه باشد و بعد از نماز عشاء باشد  
 یا در وقت خفتن و آنچه کوشش کند پس از خواندن با کسی نکل نکند و بعد نام خود صلوات  
 بفرستد و اگر احتیاج مبرم به تکلم پیدا نمود روی کاغذ بنویسد تا طرف مقابل  
 کند و جواب گوید و اگر طرف مقابل سواد عربی داشته باشد با آیات قرآنی  
 طرف را به نکته مورد نظر متوجه کند و لا اقل اگر ضرورت داشت با حدیث -  
 سخن گوید طریقه اولیا و بزرگان در ریاضات این بوده است و اینکه بگویند  
 فلان مرشد زبان فلان مرید را مهر کرد و فلسفه اش این است که بنحو بر دانه  
 در خود مشغول شود و از حرفهای بیهوده دنیا فراغت حاصل کند و نگردد

طریقه خواندن ذکر

اگر کسی ذکر می را اراده خواندن کند مثل الله که ۶۶ است و نام شخص عامل  
 و خواننده اسم محمود باشد که ۹۸ است جمع کند و بعد هر دو بخواند چون عدد  
 الله که ۶۶ است برای خواندن کافی نیست تماما عدد ۶۶ را ده برابر نماید که ۶۶۰  
 عدد میشود یا بایت برابر یا صد برابر هر چه توانائی و یارائی عمل دارد نماید ولی  
 عشرت و مات و الف را رعایت کند بدین کم و زیاد پس عدد اسم خود را  
 بان عدد ده برابرش الله بیفزاید و شروع بخواندن نماید پس از اتمام  
 بعد نام خود صلوات بفرستد و اگر بتواند بعد همان ذکر که خوانده صلوات  
 بفرستد حتی الا مکان این صلوات را بفرستد که حضرت مولی یا رسول  
 خدا در عالم رویای صادقه در سن هفتاد و سه سالگی بر حرم شیخ مرتضی انصاری  
 تعلیم داده اند و صلوات این است : اللهم صل علی فاطمه و ابیها و جعلها و  
 بنیها بعد ما احاط به علمک \* \* \* \* \*

طریقه آیات متصله

اگر کسی اراده نماید آیات متصله را بطوریکه نظما ذکر خواهد آمد مداومت کند یا یک  
 از بعین بخواند و یا چند بار بعین ادامه دهد احتیاجی ندارد که تعیین کند که یکبار



جمالی است داسم دیگر جمالی یا سسی خاکی داسمی دیگر بادی است زیرا پروردگار  
 تعال آنها را مزوج نموده و توافق داده است مثل آیات زیر که معروف است  
 باسماء اعظم الہی: ۱- اللہ لا الہ الا ہو الحق القیوم یا ہو العلی العظیم کہ  
 ایدہ الکرسی است ۲- اللہ لا الہ الا ہو لا الہ الا سماء الحسنی ۳- اللہ لا الہ  
 الا ہو علی اللہ فلیتوکل المؤمنون ۴- ہو اللہ الذی لا الہ الا ہو عالم الغیب  
 والشہادہ ہو الرحمن الرحیم ۵- ہو الذی لا الہ الا ہو الملک القدوس المؤمن  
 المبین الغزیز الجبار المتکبر سبحان اللہ عما یشرون ۶- ہو اللہ الخالق الباری  
 المصوبہ الاسماء الحسنی یتبع لہ ما فی السموات والارض و ہو الغزیز الحکیم  
 سورہ المتحنہ خبر ۲۸ فقط کافی است کہ ہر کدام این آیات را بخواند عمل نماید  
 بطوریکہ در محل خود خواہد آمد یعنی حرف اول آیہ را در نظر گیرد و ذیل اسماء  
 این کتاب پیدا کند و عدد آنرا کہ بحروف ابجد جمع زودہ شدہ بگیرد و عدد اسم خود  
 را بر آن بنویسند آنگاہ شروع در خواندن کند : نکادند :

اسماء مفروہ

مثل اللہ یا احد را کسی بخواند عمل نماید البتہ باید رعایت این نکتہ عظیم را بنماید  
 کہ اگر دو اسم یا بیشتر را با ہم توأم سازد باید اول بسیند کہ باید سازگار داشتہ

مثلاً ہر دو اسم آتشی باشد داسم خود آتشی باشد بالا اقل اسم آتشی باشد کہ جمالی است  
 با اسم خود کہ خاکیت و جمالیست مخلوط سازد یا اسم اگر بادی است خما با نام  
 دیگری کہ بادیست مخلوط سازد چہ باد با بچیک از عناصر ثلاثہ دیگر سازگار نیست  
 نہ با خاک نہ با آتش نہ با آب ولی اگر اسم آتشی باشد بشود با سسی کہ خاکی باشد  
 مزوج نمود یا سسی کہ خاکی است با سسی کہ آبی است مخلوط نمود چون آب  
 و خاک شبانہ آتراج میباشند ولی آب را با آتش نیشود مزوج و مخلوط نمود  
 یا آب را با باد نمیوان رفتن ساخت چہ باد بر آب غالب است \*  
 و اما راجع بہ بیسم اللہ در کتاب ام الكتاب کہ در صد سال قبل در کربلاک بلخ  
 رسیدہ است و فعلاً در کتابخانہ فقیر موجود است و بسیار کتاب نفسی است در صغیر  
 ۳ کہ بزبان انگلیسی نیز ترجمہ شدہ چنین مینویسد موفیکہ امام محمد باقر علیہ السلام  
 را بکتاب نزد عبد اللہ صباح فرستادند و در سن پنج سالگی بود عبد اللہ صباح  
 لوحی را کہ بیت و نہ حروف در آن نوشتہ شدہ بود بدست محمد باقر ۴ داد و گفت  
 بگو الف حضرت محمد باقر ۴ گفت الف عبد اللہ گفت بگو با حضرت فرمود ما منی  
 الف را نکونی با مگویم عبد اللہ گفت باقر۴ عیون المؤمنین بقل الف فقال  
 الف اللہ لا الہ الا ہو الحق القیوم فرمود: یا عبد اللہ الف خداوند است

ولام بالای آن محمد است و معنی الف روح محمد است و الف سه حرفت  
 و یک نقطه و الف و لام و فاء و نقطه الف محمد است و لام علی است و فاء ط  
 است و نون حسن حسین است که آخر حسن حسین نون است و در آخر الف نقطه  
 است عبد الله عجیب داشت و گفت ای روشنی چشم مؤمنان عجب کاری است  
 که در کتاب مخلوقی است که همی گوئی در وصف و صفت الف باقر علیه السلام  
 فرمود که کتاب مائل بیت چنین بوده است همه دور زمانی یا عباد الله الف  
 سر بر دستگاه ایزد عزوجل است و نامش روح الحیوة ناطقه است بر غیر  
 مؤمنان است و لام روح روشنی است و فاء روح ابجد رتت و نون  
 روح ان فکر است در وحشت بالای الف بیک روی حجاب علی است  
 علینا منّا السلام و الف روح علی است و لام دو لؤلؤ لای علی است  
 و فاء فکر روح الوحی است و نقطه لطف علی است و نورانیت که فرارسی حو  
 پس عبد الله صباح بشگفت بماند گفت یا بن رسول الله و الله و با سبیلی  
 شگفت آدر است که شمارا بکتاب من آورده اند این هدایت همی است  
 که من برگر چنین علی از هیچ عالمی نشینده بودم و شما نیز هیچ کتبی نرفته اید  
 و هیچ کتابی نخوانده اید هیچ معنی ندیده اید ای سوه دل مؤمنان این

چه صفتی است که کسی مکتب دار باشد و درس گوید و معنی درس خود را بداند  
 خواستم که الف بنو آموزم ندانستم که اکنون از تو بیایم و تخم ای نور دیده محمد علی  
 منت تمام فرماد ب دست را تعلیم فرما که رحمت بر پدر و مادرت حضرت باقر  
 فرمود ای ادیب ب باب الف است که الف محمد است و ب علی  
 است و نقطه ب نطق علی است و الف روح روشنی است و ب روح الحیوة  
 نورا است و نقطه نطق است ای ادیب من بگو تا اول این حروفها کدام است  
 گفت الف باقر گفت بچه دلیل عبد الله گفت یا بن رسول الله پیش از آن  
 نمیدانم حضرت باقر فرمود ای ادیب این همه علماء کتاب و ادیبان  
 بنادانی تدریس میکنند و نمیدانند که اول الف است یا ب و حال آنکه اول  
 این حروف ب است و الف محمد است و ب علی است و فاء  
 محمد پیشرو است و علی باب محمد است ۲۸ تا حرف یا در آن کتاب  
 ذکر شده ولی ما این مقدار کافی دانستیم والسلام

طریقہ استفادہ از آیات

آل این فن که علوم غریبه نامیده میشود از آیات برسم و محکم الهی اینطور  
 استفاده نمایند که اول آیات حق را کاغذ بعد حساب ایجد کبر شماره میکنند



اکنون مرتبات را که خود این فقره بر کرده ام و آیات و شماره آن آیات را درج میکنم

مرتبه اول

۷۸۶

۷۷۹	۷۶۵	۷۶۹	۷۷۲
۷۶۴	۷۲۶	۷۲۵	۷۲۰
۷۷۴	۷۲۱	۷۶۳	۷۷۷
۷۶۸	۷۷۳	۷۷۸	۷۶۶

هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو کل شیء علم

ضمیمه کریم وعلی که اصل آیه ۲۵۱۸ بود و کریم وعلی نیز ۴۸۷ شد جمع آن ۳۰۸۵ گردید - از خانه دهم بر نمودم و در خانه پنجم یکید اضافه نمودم برای علم و عزت مفید آمد

و خانه شانزدهم موفقی بر میشود که ساعت را ملاحظه نموده باشیم در آن ساعت که برای ما نیکو و سمن است دارد چنانچه گذشت شرح آن خانه شانزدهم را بر خواهم نمود

باد عا بریم و وحشت رد شود	باد عا هر خوف و خشت سرد شود
باد عا آسوده باشید از گزند	باد عا مقصود ما درید شود

مربع دهم - ایضا برای علم و عزت آنرا انتخاب نمودم که البته در هیچ کتابی این مرتبات که حقیر فقیر استخراج نموده ام یافت نمیشود چون فقیر اهل دروغ و مضایقه و حسد و نخل العیاذ بالله نیستم در اختیار شما گذاشتم

۷۸۶

۶۳۴	۶۲۰	۶۲۴	۶۲۷
۶۱۹	۶۳۱	۶۳۰	۶۲۵
۶۲۹	۶۲۶	۶۱۸	۶۳۲
۶۲۳	۶۲۸	۶۳۳	۶۲۱

عالم الغیب والشهاده وهو الحکیم الخبیر

جمع آن ۲۵۰۵ میشود از خانه دهم بر شد و طریقه آن اینطور است که ۲۵۰۵ عدد را چهار قسمت میکنیم یک قسمت آن ۶۱۸ میشود در خانه یک مثلاً ۵۰۵ میکند

باد عا بر پاستی این آسمان	باد عا آما ده میگردد جهان
باد عا محفوظ بیسانی نشد	باد عا گلزار میگردد جهان

و چنانچه از چهار قسمت سه عدد اضافه شود یک عدد از خانه پنجم اضافه میکنیم و  
بر آینه دو عدد اضافه آمد در خانه نهم یک عدد اضافه میکنیم و هرگاه یک عدد  
اضافه شود در خانه نینزدهم یک عدد در اضافه میکنیم.

۷۸۶

مربع سوم

۷۵۰	۷۳۶	۷۳۹	۷۴۳
۷۳۵	۷۴۷	۷۴۶	۷۴۰
۷۴۵	۷۴۱	۷۳۴	۷۴۸
۷۳۸	۷۴۴	۷۴۹	۷۳۷

از خانه دهم پر شد مجموع آیه ۲۹۶۸ میباشد.

لا تدرك الأبصار وهو يدرك الأبصار وهو بغير عينين آیه برای معنی شدن از نظر ما  
و شائزده خانه را در آخر ربعات درج خواهیم نمود ان شاء الله تعالی که  
برای شما پر نمودن لوح آسان گردد.

۷۸۶

مربع چهارم

۷۲۴	۷۲۷	۷۳۰	۷۱۷
۷۲۹	۷۱۸	۷۲۳	۷۲۸
۷۱۹	۷۳۲	۷۲۵	۷۲۲
۷۲۶	۷۲۱	۷۲۰	۷۳۱

لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم  
از خانه اول پر شده و خانه اول آتشی است برای یک ستاره او آتشی  
باشد بسیار مفید و مؤثر است و اگر کسی رعایت ستاره خود و ساعات مؤثر  
خود را ننماید اینگونه امور برای او بیخ اثری نخواهد داشت بالاخص آنکه اگر  
رعایت تقوی را ننماید شاید برای او زیان نیز داشته باشد ولی یکبار این  
امور را رعایت کند مخصوصاً آیه را در موقع معین بخواند بعد مجموع آن که  
۲۸۹۸ میباشد بسیار اثر نیکو خواهد داشت و این آیه برای کسب عزت و  
آبرو و اخبار زیاد دارد و در کتب ادعیه مؤثر است که شایستگی بسیار دارد چیزی که  
هست لوح آن باید در ساعت زهره یا شمس پر گردد و مداومت آیه آن در معین  
معین رعایت شود اصل لوح در روزهای جمعه یوماهای خوش بخورد داده شود.

مرتب پنجم

۷۸۶

۴۲۱۲	۴۱۹۹	۴۲۰۲	۴۲۰۵
۴۱۹۸	۴۲۰۹	۴۲۰۸	۴۲۰۳
۴۲۰۷	۴۲۰۴	۴۱۹۷	۴۲۱۰
۴۲۰۱	۴۲۰۶	۴۲۱۱	۴۲۰۰

قل اللهم مالك الملك الی غیر حساب مجموعاً ۱۶۸۱۸ عدد میشود از خانه دهم  
برای کسب علم و عزت پرنمودم پنجم فرمود هر کس این آیه راده مرتبه  
بعد از نماز بخواند چنانچه مقروض باشد من ضمانت دین او را میسپارم که خطا  
ادا خواهد فرمود.

مؤلف گوید: برای امور مهمه عدد فوق الذکر را باشد الطآن که قبل از شروع  
استفاده از آیات ذکر شد بخواند بسیار اهمیت دارد

این دعا مانند زریا کیمیاست	گر ترا منظور از دخل و بهت
لیک باید در خلال این دعا	تو فروتن گردی این عین رجا
گرتوانی بذل بخش بر فقیر	بیکسی کان پیشه هر باصفاست
بر دل عالم برمی باید نمود	تا که امکان مروت با سخا

مرتب ششم

۷۸۶

۳۴۶۴	۳۴۶۱	۳۴۵۳	۳۴۶۷
۳۴۵۴	۳۴۶۶	۳۴۶۵	۳۴۶۰
۳۴۶۹	۳۴۵۵	۳۴۵۹	۳۴۶۲
۳۴۵۸	۳۴۶۳	۳۴۶۸	۳۴۵۶

اند نور السموات والارض - ۱- و الله بكل شیء عليم که مجموع آن ۱۳۸۴۵  
عدد میباشد از خانه دوم برگردید برای محبت و نورانیت دلی این آیه  
خواص بسیار دارد که یکی از آنها اینست هر کس ششماه ترک حیوانی کند یعنی هر  
چیزیکه از حیوان صادر میشود نخورد فقط از میوه ما و نباتات استفاده کند و هر روز  
صبح بیست و پنج نوبت این آیه را بخواند پس از ششماه روزی یک مرتبه یا روزی  
دوازده مرتبه بخواند آنچه فرود آید او پیش خواهد آمد شب در خواب خواهد  
دید هزاران خواص دیگر.

مربع هفتم

۷۸۶

۳۲۴	۳۱۱	۳۱۸	۳۲۱
۳۱۷	۳۲۲	۳۲۳	۳۱۲
۳۱۹	۳۱۶	۳۱۳	۳۲۶
۳۱۴	۳۲۵	۳۲۰	۳۱۵

حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر: که مجموع ۱۲۷۴ - از خانه سوم پرنمودم برای دولت و عزت این آیه نقش نگین حضرت ثامن الحج سلطان خراسان علی بن موسی الرضا علیه السلام است که هر کس بخواند اجازه آنرا - در یافت کند می تواند متوسل بنحو حضرت شود بهتر است از اینکه از مرشد اجازه بگیرد و راه گرفتن اجازه از آنحضرت آنکه عدد فوق الذکر را بخواند و برابر آن صلوات بفرستد ثواب آنرا بی شمار روح پاک آن امام بهام نماید و بخواند در بستر پاک آنحضرت را خواهد دید و اجازه صادر خواهد شد وقتی اجازه گرفتند نهایت اثر خواهد داشت انشاء الله تعالی .

مربع هشتم

۷۸۶

۷۲۴	۷۳۶	۷۳۱	۷۲۶
۷۳۵	۷۲۱	۷۲۹	۷۳۲
۷۲۸	۷۳۳	۷۳۴	۷۲۲
۷۳۰	۷۲۷	۷۲۳	۷۳۷

لا اله الا الله	بقرتک	و بقدرتک	لا اله الا الله
۱۶۵	۴۹۹	۷۳۲	۱۶۵
بحق حقک	لا اله الا الله	فرج	برحمک
۱۱۰ / ۱۲۸	۱۶۵	۲۸۳	۶۷۰

از خانه هفتم پرنمودم که مجموع آن ۲۹۱۷ گردید برای زیادتی مال و دولت شیخ بهاء دره فرموده هر کس بیست و یکبار ذکر را بخواند برای هر مطلبی بلا فاصله انجام پذیرد و مؤلف نیز آزمایش نموده است بصیحت انشاء الله تعالی .

مبع فم

۲۸۶

۱۸۵۶	۱۸۶۸	۱۸۵۳	۱۸۶۲
۱۸۶۱	۱۸۵۴	۱۸۶۵	۱۸۵۹
۱۸۶۷	۱۸۵۷	۱۸۶۳	۱۸۵۲
۱۸۵۵	۱۸۶۰	۱۸۵۸	۱۸۶۶

مجموع کل انا فتحاک فتحاً مبیناً الی « وینصرک الله نصر اعزیرا چنانچه گذشت  
 ۲۴۳۹ عدد میشود: این آیه بطور صریح خطاب به پیغمبر ص میباشد و سخن از  
 فتح و فیروزی بزرگ میکند هر کس مدامت کند بر این آیه بعد و فوق باشد اطمینانی که  
 گذشت آثار عجیب و قریب مشاهده خواهد نمود البته روایت و حدیث در  
 این باره در کتب ادعیه بسیار دیده میشود ولی عمده مطلب عدد و رقم کامل  
 اوست که با این رقم و عدد باید عمل شود تا نتیجه کامل حاصل شود البته تجویز  
 و اتفاق را در خلال عمل فراموش نفرمائید در صورت امکان \*  
 حَقَّقْنَا اللهُ وَايَاكُمْ مِنْ شَرِّ الْأَشْرَارِ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطَّهَارِ ۴  
 نفس هستم ز تو اندر دعا تا که بادی آوری از جان مرا  
 هر که از این ذره بادی میکند حق دهد اجرش بنگام جزا  
 بقیه در صفحه

مبع دم

۲۸۶

۹۲۷	۹۱۳	۹۱۷	۹۲۰
۹۱۲	۹۲۴	۹۲۳	۹۱۸
۹۲۲	۹۱۹	۹۱۱	۹۲۵
۹۱۶	۹۲۱	۹۲۶	۹۱۴

ربنا اتان فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار: مجموع آن  
 ۳۶۷۷ عدد است که از خانه دهم پر شده برای کسب عنایات پروردگار  
 و ثواب و پاداشهای حق گفتم که این آیه مبارکه بقول عرفا سید و تهر می باشد  
 و با مطلق مؤلف فقیر سید و با حکم: چون اینگونه آیات را فقط اینجانب  
 استنباط نموده استخراج کرده ام که بطوریکه گذشت: گفتم که این آیه اول  
 آن را و آخر آن را، می باشد و آیه بعدی نیز از این قبیل است و چون حقیر  
 بنحیل و حدودیتم وضع نمودم تا برای ارباب طلب آسان آید: و ین الله التوفیق  
 مؤمن پاکیزه دل بر تو منین میکند دعوی غفران از خدا  
 زین سبب پاداش او آید حق محو شد از او همه جرم و خطا  
 بر دل عالم حشرم آورد کوشده مصوم از جور و جفا



۷۸۶

۵۹۷	۵۸۳	۵۹۱	۵۹۴
۵۹۰	۵۹۵	۵۹۶	۵۸۴
۵۹۲	۵۸۹	۵۸۵	۵۹۹
۵۸۶	۵۹۸	۵۹۳	۵۸۸

جمع کل ۲۳۶۵ عدد است: نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَمَحَافِظُونَ: از خانه سوم برگردید برای دولت گر چه خانه سوم که برای دولت میباشد آیه نیز میخواهد که دارای اسمائی باشد که مانند رازق شلا الله لطیف بعباده متبرق من بشاء بفتح حباب باشد ولی ما این نکته را در نظر بگیریم که وقتی حق ضامت نمود کسی را حفظ کند البته بقیه نعمتها نیز شامل حال آن محفوظ بینی آن ( در پناه نگاه داشته شده ) میشود - چونکه صد آمد نمودیم پیش ماست .  
 در و عایک شرط میباشد ضرور  
 آن بود نو میدنا کشتن نزل  
 دوین شرطش بود ترک گناه  
 یاد عالم کن بهنگام دعا  
 گر تو میخواهی وصال جن و جور  
 پایداری در ریاضت با سنجور  
 تا بایی در دولت و جد و سرور  
 تا شوی حاجت ردا نفع صور

۷۸۶

۳۳۵	۳۲۲	۳۲۹	۳۳۲
۳۲۸	۳۲۳	۳۳۴	۳۲۳
۳۳۰	۳۲۷	۳۲۴	۳۳۷
۳۲۵	۳۳۶	۳۳۱	۳۲۶

مجموع آن ۱۳۱۸ عدد است: مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ: از خانه سوم برای دولت بر نمودم در حدیث دیده ام که هر کس نصف شبی یا یک ثلث از شب مانده بر خیزد و دو رکعت نماز حاجت بخواند و ۱۱۲۱ مرتبه ماشاء الله بخواند فقط ماشاء الله و سر سجده بگذارد و حج از حق طلب کند در آن سال اگر چه عمر او کم شده باشد حق تعالی هم عمر او را میفزاید و هم حج نصیب او کند این عدد از نظر ما صحیح نیست برای اینکه عدد صحیح ما ۴۰۸ و طغولی ما نیز ۹۳۱ میباشد بطوریکه در اسماء موجود است ولی با آن کتاب اشتباه نموده و یاروی یک حسابی است که امام ع میدانند ولی از نظر ما آیه فوق را بعدد فوق الذکر بخواند بهین نتیجه خواهد رسید و نتایج دیگری انشا الله

۷۸۶

۳۲۸	۳۱۹	۳۳۳	۳۲۲
۳۲۵	۳۳۰	۳۲۰	۳۲۷
۳۱۸	۳۲۹	۳۲۳	۳۲۲
۳۳۱	۳۲۴	۳۲۶	۳۲۱

مجموع کل ۱۳۰۲ عدد: *لَقَرْنِیْنِ اللّٰهَ وَفَتْحٌ قَرِیْبٌ*: از خانه دوازده پُر نمودیم  
 برای صلح و غلبه یافتن بردشکن اکنون یک مربع شانزده خانه وضع نماییم که برای  
 سالکان طریق سهل و آسان شود پُر نمودن الواح.

آبی      بادی      خاکی      آتشی

۱۶	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

بر خانه یک صفتی دارد ستون اول آتشی ستون دوم خاکی ستون سوم  
 بادی و ستون چهارم آبی است.

۷۸۶

۸۴۲	۸۴	۱۲۹	۶۶
۱۲۸	۶۷	۸۴۱	۸۵
۶۸	۱۳۱	۸۲	۸۴۰
۸۳	۸۳۹	۶۹	۱۳۰

اللّٰهُ لَطِیْفٌ بَعِیَادَهُ مَجْزِیْبٌ مَّجْمُوعٌ اَنْ ۱۱۲۱ ذوالکتابه مرقوم شد این عدد  
 عدد بسیار خوبیت و این طلسم برای کسب اطلاعات آسمانی و آشنائی  
 با فرشتگان بسیار مؤثر و مفید و سترح الاجابت است بشرط تقوی و مداومت  
 و ترک معاصی و بکار بردن بخورات که نظماً خواهد آمد در موقع خود که خواندن  
 ذکر باشد و در شب پیش از خفتن خواندن و پس خوابیده در بستر پاکیزه و چنانچه  
 نیتی داشته باشد بخاطر بگذراند: *وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ تَبِعَ الْوَدِیَّ* ::

تأثیر خواب

بسم الله الرحمن الرحيم

در احادیث و اخبار وارد شده که رؤیا باها هم فرق دارد. رؤیای صادق و رؤیای کاذب وجود دارد و گفته اند که رؤیای خلیق نیز تفاوت بسیار دارد مثلا رؤیای شاه با رعیت فرق دارد و قس علی بن ابی طالب عقل نیز مراتب مذکوره را تصدیق میکند ولی فقیر گوید یک سلسله رؤیای بی وجود دارد که با همه آنچه گذشت تفاوت دارد و آن رؤیای آسمانی در روحانی است و گاهی ممکن است شامل حال یک فرد عادی نیز از جانب حق جل و علا شود مانند ناموریهای پیامبران و ایمان خلق و اولیا و الله در مشاهدات او ماد که گاهی بیداری دست میدهد و گاهی در بقیه دیده میشود و اینگونه رؤیای از روی بوی بوس نیست در روی استلاء معده و یا بر اثر کشیدن بنگ برگزین باشد زیرا با تقدیر از آنرا با مدرک و سندشان میدهم مؤلف فقیر ریاضت زیاد کشیده ام در کاظمین و کربلا و نجف و مشهد و قم و بسیار خوابهای عجیب و غریب دیده ام که تمام آنها در کتابی ضبط است و حضرت رسول را دیده ام و بقیه علوم آموخته ام و فقیر را بالای قبرشانیده اند و اجازه و عطا و خطاب داده اند و علی و فاطمه

و اولاد ایشان را تا امام زمان علیهم السلام را دیده ام که تمام آنها به حقیر چیزی یاد داده اند ولی اجرا چند لوح و مهر بخت رعایت فرموده اند که در صفحه بعد مشاهده میفرمایید و خود تان از روی بیخوشی و انصاف تشخیص میفرمایید که این قبیل رؤیا با حقیقت خاصی دارد و مجازی نیست: ان شاء الله تعالی

اینکه میگویم از روی ریاست	بلکه این عین درستی مدعاست
خواب عالم به بود از طاعتی	کز ریای کار دور و اندر قفاست
هر چه بیند عالم از روی محب	کی بود چون عجب کنونی خطاست
هر چه در ظاهر بسیندش حق	هر چه در باطن به بیند از صفاست
جاها را کی رسد عقل و خرد	تا که بشناسند کان از اولیاست
خلقت صانع بنزد اهل دل	جنگلی حق است از روی وفاست
مدح بیچون کی توأم مینمود	چون سوای او همه محو و فناست
عقل جاہل تا قیامت قاصر است	تا بداند عالم از اهل ولایت

کر مدرس خواند این اشعار را  
سینش را هم بدان پس بیجاست

نعم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 فِي الطُّولِ الْكَافِي النَّبِيُّ النَّبِيُّ النَّصِيحُ النَّصِيحُ النَّصِيحُ النَّصِيحُ  
 وَالطَّائِرُ وَالطَّائِرُ بِمَوْلَانِ  
 وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيمُ  
 حَمْدُهُ  
 وَالطَّائِرُ وَالطَّائِرُ بِمَوْلَانِ  
 وَالطَّائِرُ وَالطَّائِرُ بِمَوْلَانِ  
 وَالطَّائِرُ وَالطَّائِرُ بِمَوْلَانِ

سبح ربيع

سبح

سبح

طوبش بيكاسيل حرفايل برقان صاحب العجايب

غالب الامم

هو

كريم عالم وهاب

ما شاء الله

نصر من الله  
وفتح قريب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این قصیده است که شیخ اہل بہار الدین محمد عالی فرمودہ در اطراف اسم اعظم و بہین قصیدہ مؤلف را بتالیف این کتاب بلکہ کوشیدن در کسب این علم واداشتن است .

ای دو عالم بیک امر از تو تمام  
ہر چه برخواست از این تح بساط  
بمہ از جود تو دارند وجود  
چون ہستی ز تو در آثاریم  
نزد ال خرد و اہل عیان  
یعنی اسماء حروف از نبود  
اثر اسم بھر اندازہ  
بیچ شک نیست کہ در اسرع حال  
کنج اسم را آئی حرفت  
سی شش حرف کہ در گفت و شنید  
اثرش نامتناہی بدوام

کائنات از تو بہ تسبیح و نظام  
و آنچه پیدا است از این بہت با  
پیش ذاتت بر کوع و سجود  
چشم بر لطف عمیمت داریم  
حرف جیم دعد و اوست چه جا  
سیر دعوات مقرر نشود  
گر بخوانند بھر آوازہ  
با جابت پر بند بی اجمال  
مخزن گوہر شاہی حرفت  
کس بی پایان رموزش زبید  
منتفع زوچہ خواص و چہ عمالم

شارع عالم خواص جبروت  
سیدنا سوت از آن در خدر است  
نطق ہر ذرہ از آن در قاست  
بس اثر است کہ در عالم خاک  
ہر چه پیدا است در این دید و نوا  
اسم اعظم کہ نہان از نظر است  
الف دیک اسم کہ دارد دادار  
یک از آن داشت یکی پیغمبر  
ما در موسی عمران چون زاد  
لیک میداشت نہان از ہر کس  
تا بفرمان خداوند جهان  
شد از آن اسم مقدس آگاہ  
گفت یارب بصفات این اسم  
کہ مرادہ ولدی با مقدر  
نبی مرسل خود ساز اورا

فاتح عالم ملک لاہوت  
جان ملکوت از آن در خطر است  
و اندکس کہ ز اہل حالت  
گر کنند اہل معانی ادراک  
نیست بی جلوہ اسماء اللہ  
عقلها جملہ از آن بی خبر است  
ہر کی قاعدہ امی را در کار  
پدر و ما در موسی ۴ از بر  
یعنی آن اسم بدختر بہناہ  
پدرش بود از آن مخبر و بس  
یافت عمران شرف و صلت  
کہ بود اسم اعظم اسماء اللہ  
بحق حرمت ذات این اسم  
صاحب معرفت و علم و کمال  
ازرہ مرتبہ نبواہ اورا

داد او را پسری رب جلیل  
 نوح از برکت این اسم و صفات  
 موسی از پر تو این اسم بطور  
 عیسی این اسم چو بر خواند اموات  
 هر چه در عالم از این اسم بیست  
 این در از نه صدت اسرار است  
 ده چه اسمی است که بسیار کسی  
 خاصیتهاش ندارد پایان  
 وضع آفاق زینک و بد حال  
 اسم خاصی است که اسرار جهان  
 کس چه داند که چه اسم است این  
 لفظ این اسم چه تکرار کنی  
 نقل هر کارگشائی بر او  
 چهارده حرف رساند این اسم  
 دشمنت نیست شود چون سیاه

که ز داد جامه فرعون به نیل  
 یافت از مهلکه آب نجات  
 یافت گفتار تجلی بانور  
 یافتند از اثر اسم حیات  
 زانکه این اسم کنوز اسماست  
 بی بدل چون گهر شهوار است  
 نیستش بر سر آن دسترسی  
 عارفان جمله از او بیتابان  
 زان توان یافت سبج احوال  
 بست در کز خردش پنهان  
 خاصه زمره ابرار است این  
 چون با داب و ادب کار کنی  
 کردی از فیض دماش دلشاد  
 آتش آنکه گشائی تو طلسم  
 بند گردد بدیدن سیلاب

که بخوانی ز سر صدق و یقین  
 جنیان با تو مصاحب گردد  
 جمله خلق سیدانکنده تو  
 همه خلق مطیعت گردد  
 هیچ علمی بتو شکل نشود  
 متصل باشی خندان دلشاد  
 لیک هر کس بطریق دیگر  
 سر اسما به خردش تمام  
 مطلع گشته بدان کار کنند  
 امر خاصان توان گفت بعام  
 باشد از حسن عمل اهل بحال  
 نروند از پی انعام بدر  
 در عمل عزم بدیها نکنند  
 هر کسی داده از این اسم نشان  
 بود او گفت حق اندر تورات

کشف گردد همه کنج زمین  
 اولیا جمله بتو پیوندند  
 قیصر روم شود بند تو  
 کیمیا نیز نصیبت گردد  
 بکرمان حق ز تو غافل شود  
 دین و دنیای تو گردد آباد  
 دارد از حالت این اسم خبر  
 توان گفت مباد آنکه عوام  
 خلق را بیهوده آزار کنند  
 تا نیابد اثرش جاہل خام  
 چو بیابند از این اسم مجال  
 وز بدیها نباشند خذر  
 فکر در باب ردیها نکنند  
 بطریقیکه بر او گشته عیان  
 در صحف خوانده مراد را نجات

چند در سوره ا. بحسب نخوان  
خوانده حیوم دگر یک قوم  
ست مشهور عرب بر جان  
دینی گفت رقم کافنا  
بنجیه قوم دگر جاهرش  
در احادیث در آیات و خبر  
گرچه این اسم بسی مشهور است  
سال عمرم چو با خبر رسید  
از ذخائر که کتوز اسما است  
بر آسانی ارباب طلب  
خواستم تا که در این علم بکام  
بید احمد که توفیق احد  
من در این علم بسی بردم پنج  
سین گنج کشف بگشودم  
گوه از کان عمل نمودم

بدستی که همان است همان  
مغربی گفت که هست او طیوم  
عجمی گفت در بر خانه  
باز جمعی دگرش راحلنا  
ست بو خانه دگر جاهرش  
بهدی کی راست طریقی دیگر  
لیک این خانه چنین منظور است  
فکرتم پرده ازان رمز درید  
بنده این اسم در آوردم راست  
کردم این اسم بقانون داد  
بنهم بر قدم مردان گام  
داد ازان همسزم فیض مد  
که طلسمات گشودم زین گنج  
گوهرش بین که عیان نمودم  
پرده از چهره او بگشودم

حوریا نرا همه بی ستر و نقاب  
بهر طلب گشودم سه گنج  
مزد مردی که ازان معذخان  
عمل خیر به بنیاد کند  
غرض اینست که ارباب طلب  
این قواعد چو سراسر خوانند  
چون ازان اسم بیاندازند  
ایکه خواهی بودت علم و عمل  
گوش جان باز کن ددیله  
که ترا میل بتقریر من است  
نختم گوهر گوشش دل کن  
اگر از علم پی لاهی  
بهر طلب ازان نسخه زرف  
من ازان طایفه دارم سستی  
در رموزات که فکرم جلی است

نمودم بر کل احباب  
نقد زین گنج نمودم بی رنج  
گوهرش را چه باید بخواند  
از بهائی بدعا یاد کند  
بسه مذازی مقصود تعب  
بهر مافات ای بر خوانند  
زود نازره انصاف بدر  
تا شود مشکل ازان علت حل  
تا کنم بهر تو حل این مشکل  
برگشا گوشش که وقت سخن است  
گوهر گوشش خسته حاصل کن  
بی تعلم سستی میخواهی  
کا طان راست در او چند کشف  
خوانده ام در بر ایشان درتی  
از عطا ای نبی ودلی است

بست در مصحف مابعد سه میم  
عددش با سوره فدائی

در میانهای سوره در حایم  
تصادی است اگر میدانی

در نسخه دیگر اسم او با سوره قرآنی

بست حرفت بر ترتیب نظام  
لفظش نوزده از روی جمل  
نقطه اش نوزده از روی جمل  
اولش میم چهارم لام است  
طا بود آخرش حرف در او  
در سه جا مصدرش دال است  
اولش بنفده آفرین است  
قلب او باعث خوشحالیهاست  
شال کلی او در حروف  
عدد بینه اش هفتاد است  
خوانم آن دل که بیابد این رز  
ای بهائی چو تو این کشف رموز

بسط حرفش چهل گشته تمام  
بست چون مدخل باسط بهل  
اصح بنظر میآید مؤلف  
سیتمش شهره در این ایام است  
نکته سنجی که بفهمد نیکو  
در سه آری از انفال است  
متصل در وسط با سین است  
فتح و نصبش همگی نور و ضیاست  
جامع علت آثار حروف  
اینهم از قاعده است او  
نکته فاش رموزات بفهمز  
کردی و یافتی آن نقد کنوز

میش از این کاشف این راز مباحث  
هر که اهلیت این کارش هست  
دم فرو بند که نا اهل شیر  
من بوفیق خداوند غفور  
اصل و فرعی بنمودم بر روز  
به بهائی هم از صدق و صفا  
بست این اسم چو خود نام علی  
این دو بیت از عالم بیدکن

راز پنهان کن و غماز باش  
بدعا حاصل از این حالت مست  
نشود زین روش خاص خیر  
طالبان را بنمودم دست  
فانش کردم همه نقد کنوز  
بکنند از ره اخلاص دعا  
باقی طی کرده راه باطنی  
قدرت حق کرده آزا آچنان

ایضا

هر که اندر این اسامی پی برد  
باید از اول نمودن ترک از  
سوی حق آرد ز باطن سوز و سوز  
در قفا آید بقا از ذکر و فکر  
از مدرس علم باطن شروع  
این نباشد از علای دوشنا

جان خود را از خطر میخرد  
کو گناه آمد بدقت بگریز  
از همه لذات دنیا بگذرد  
گر که اسما خود را بشرد  
کو برای رهبر نیکو سوز  
بلکه باشد این صفات این خرد



چند لوح محکم

مؤلف فقیر گوید: متجاوز از صد جلد کتاب در علوم غریبه چاپی از کتب عربی  
 مصر و بغداد و بمبئی و فارسی خطی و چاپی وارد و امان مطالعه نموده ام و بسیاری  
 الواح و اوراق دیده ام ولی مهتر از این چند لوح تاکنون ندیده ام کی لوح  
 پانزده در پانزده است که سبج المثانی است در صفحه بعدی مشاهده میفرمائید  
 و این لوح را در کتاب خطی که آقای محمد انگورانی از اساتید این فن دارد  
 و ایشان از کتابخانه رضوی در مشهد مقدس از یک کتاب خطی رونوشت  
 نموده اند و بر حسب خواہش حیرت فرمایان عنایت فرمودند و ما برای کوچک  
 برابردان وادی محبت و صفا در این کتاب درج نمودیم و شرح آن  
 لوح را در صفحات قبل در مباحث نظائر و تراجم ششم لوح دوم در محبت است  
 که در صفحه ۱۰۹ درج میشود و لوح سوم در مقام و عزت است که در صفحه  
 ۱۱۰ درج میشود و لوح چهارم بسیار فزکال است که در صفحه ۱۱۱ درج میشود  
 لوح پنجم از آن مؤلف فقیر است که در صفحه ۹۷ و ۹۸ درج شد و لوح  
 جنة الاسماء از مرحوم پیرداما و در صفحه ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ درج میشود هر کس  
 هر یک از این سه لوح معظم را در ساعت زمره یا شمس بگرداند اثر عجیب دارد

کتاب کشف الہدایہ شیخ عبدالکریم مرزسی عالم ۱۰۸

۱۶۸	۳۲۱	۲۸۹	۱۲۸	۲۲۴	۶۱۸	۲۲۲	۱۱۶	۶۲۰	۳۹۲	۱۸۱	۱۵۰۷	۱۲۱۰	۲۳۲	۶۵۹
۶۴۶	۶۶۵	۱۲۶۶	۶۶۱	۶۷۱	۶۷۳	۲۵۱	۸۲۲	۳۲۶	۶۸۷	۵۷۲	۶۷۰	۷۱۳	۴۴۶	۶۱۱
۶۷۵	۷۲۱	۷۲۰	۷۲۱	۱۲۳۴	۷۲۳	۱۲۳۲	۲۷	۱۹۰	۷۲۱	۷۲۸	۷۲۷	۷۲۶	۱۲	۶۱۳
۶۵۲	۷۹۱	۱۱۳۳	۷۸۵	۷۸۶	۶۱۸	۱۲۴	۸۲۲	۱۰۰	۷۹۹	۷۸۸	۷۱۷	۷۱۴	۳۸۲	۱۱۱۳
۶۵۴	۷۷۵	۱۲۷۳	۷۷۷	۱۱۶	۱۱۶	۲۰۷۸	۸۲۵	۱۷۹	۱۴۱	۷۸۰	۸۱	۷۸۷	۲۶۰	۶۱۴
۶۵۵	۷۶۱	۷۶۴	۱۲۶۵	۱۵۵	۷۶۹	۷۵۵	۱۰۰۷	۷۷۶	۷۶۷	۱۶۵	۷۶۸	۷۶۳	۷۶۳	۱۵
۶۵۶	۷۲۳	۸۰۴	۲۲۸	۸۱۰	۱۱۱۱	۲۲۱	۸۴۹	۵۲۲	۸۷۳	۵۱۳	۲۹۱	۸۰۶	۱۰۰۵	۵۱۰
۳۴	۸۲۶	۵۰۲	۸۲۷	۸۲۸	۱۴۷	۲۴۹	۱۳۲۲	۸۶	۷۴۰	۷۴۰	۸۲۱	۱۵۲۸	۱۰۰	۶۱۷
۱۲۷۷	۷۲۲	۷۲۳	۲۸۵	۶۲۱	۳۲۵	۱۰۲۷	۲۰۴	۸۹۸	۶۳۶	۶۳۶	۸۰۲	۶۳۶	۶۳۶	۶۱۰
۶۵۹	۷۸۳	۶۸۵	۶۸۶	۶۵۲	۵۸۷	۷۰۱	۱۱۶۵	۶۸۹	۱۲۷۱	۳۱۸	۶۸۸	۷۸۳	۶۳۳	۷
۶۲۶	۷۴۵	۶۲۳	۶۲۳	۶۲۳	۶۲۱	۲۴۱	۸۲۳	۱۲۴۶	۸۱۸	۲۴۲	۲۲۸	۶۲۱	۶۲۲	۶۵۰
۶۵۱	۷۹۵	۷۹۸	۲۸۱	۷۷۱	۳۸۵	۲۴۱	۸۲۱	۲۴۲	۷۷۲	۱۰۷۲	۲۶۶	۷۵۶	۶۳۳	۶۳۲
۶۴۷	۵۲۲	۱۲۵	۵۲۷	۶۲۱	۸۶۱	۵۲۱	۲۷۲	۱۵۰۲	۵۲۹	۶۳۵	۱۲۲	۳۰۹	۷۸	۶۲۳
۶۷۵	۱۷۶	۵۷۸	۱۲۲۸	۵۸۹	۱۰۹۸	۱۱۷	۸۳۰	۹۹۹	۲۳۵	۵۹۵	۱۲۲۲	۵۹۶	۲۴۵	۶۳۹
۱۴۷۱	۷۵۳	۲۲۸	۲۱۲	۹۱۲	۱۲۸۵	۱۳۱۱	۲۷۷	۱۱۹	۶۳۸	۱۰۸۶	۲۲۰	۲۲	۲۱۸	۱۲۰۶

حق لوح حضرت ۱۰۴۷ (برای مؤلف) باشد

طریقه آنت اسم طالب و مطلب را با کسی از اسما الهی که مناسب باشد بگردن مقطعه نویسد در سطر می و پیر سطر اول از آن حرف را بگردد تا زمام بیت باز آید و بان حرف سو کند و بند که مطلوب حاصل است

۳۷۷	۳۶۹	۳۷۵	۳۷۴
۳	۳	۲	۴
۳۷۷	۳۷۲	۳۶۸	۳۶۸
۳	۳	۳	۳
۳۷۷	۳۷۲	۳۶۸	۳۶۸
۳	۳	۳	۳
۳۷۷	۳۷۲	۳۶۸	۳۶۸
۳	۳	۳	۳
۳۷۷	۳۷۲	۳۶۸	۳۶۸
۳	۳	۳	۳

شما حاصل ضرب ۳۷۷ ۶۹۸

عدد دیگر را در ۲۴ ضرب نموده از حاصل

اول دفع نموده تقسیم کرده ۱۱۱۸ در لوح نقاشی بر بند که در قی مرتب عدد حاصل اول باشد: و السلام ۲۵۴۰ ضرب در ۲۴ ۸۶۳۶۰

سید حسین اخلاقی ذکر کرده فرموده که من در عالم فقر و بدو چیز فهم شدم اول بیک تکبیر دوم مرتب و هر چند در کتب قوم ملاحظه نمودم بدین پاکیزگی تکبیر و مرتبی نیافتم میخواستم ذکر کنم ولی در نزع مأثور شدم بحیث طالبان در قی یادداشت نموده تا مستغف شوند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مَعْنَى

۳۱	۳۶	۲۹	۷۶	۸۱	۷۴	۱۳	۱۸	۱۱
۳۰	۳۲	۳۴	۷۵	۷۷	۷۹	۱۲	۱۴	۱۶
۳۵	۲۸	۳۳	۸۰	۷۳	۷۸	۱۷	۱۰	۱۵
۲۲	۲۷	۲۰	۴۰	۴۵	۳۸	۵۸	۶۳	۵۶
۲۱	۲۳	۲۵	۳۹	۴۱	۴۳	۵۷	۵۹	۶۱
۲۶	۱۹	۲۴	۴۴	۳۷	۴۲	۶۲	۵۵	۶۰
۶۷	۷۲	۶۵	۴	۹	۲	۴۹	۵۴	۴۷
۶۶	۶۸	۷۰	۳	۵	۷	۴۸	۵۰	۵۲
۷۱	۶۴	۶۹	۸	۱	۶	۵۳	۴۶	۵۱

قرب عجیب معال کبیر رفیق عمر از اول اوله فسرده  
عظم قدری مالک نوناغ جبر  
عسی الله ان يجعل بینکم و بین الدین عایتم شهرت نموده

تجربونم کتب الله  
شرح حکیم علم زون و دور عظیم  
تجربونم کتب الله

بسم الله الرحمن الرحيم

این لوح نوم است که برای مقام و عزت در ساعت شمس باید نوشته شود در کلاه یا عمامه و تاج گذاشته شود و اثر بسیار نیکو دارد و فقیر این لوح را از کتاب شمس الانوار و کنوز الاسرار چاپ قاهره یافتم و شرح بسیار دارد و در قهر با این جمله کفایت نمودم

اسما قرکال وکواکب و موکلین عوی و سفلی یا شرفه شمس و اسما عظیم

حروف اشارات	✱	آ	م	✱	۱۱۱۱	ه	و
حروف عبارات	ف	ج	ش	ث	ظ	خ	ز
اسما	فرد	جبار	شکور	ثابت	ظہیر	خیر	زکی
اسما ملائکہ عوی	روحانیل	جبرائیل	سمائیل	میکائیل	مرقیل	عزرائیل	کفیل
اسما موکلین سفلی	مذہب	مرہ	احمر	برقان	شہورث	بہیض	بہمن
روزا	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
کواکب	شمس	قمر	مرتج	عطارد	مشری	زہرہ	زحل
افلاک	فلک جہام	فلک اول	فلک پنجم	فلک دوم	فلک ششم	فلک سوم	فلک ہفتم

ہشت درستی کہ من بنمودہ ام  
ہرچ اندر عالم باطن بود  
تا بدانی این مدرس قطب علم  
گر خواصش خواہی ازین کنال

کنج معنی رازین بگوشہ ام  
آسکارا اینچنین بسردودہ ام  
بودم درہ از درون پیودہ ام  
چونکہ بر اسرار اولی بردہ ام

صدائر دار و چون کردی چنین  
در شرف گشمن بودہ سودہ ام

شرائط تسخیر

بمصدق آیه مبارکہ: وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَا مِّنْ عَلَانِمْ عَلَى کَثِيرٍ مِّنْ خَلْقِنَا تَفْصِيلاً یعنی بدستیکہ گرامی داشتیم فرزندان آدم را برست بر مخلوقا و سوار نمودیم ایشانرا در بیابان بر چهار پایان و در دریا بر کشتیها و گرامی داشتیم ایشانرا بر بسیاری از آنچه آفریدیم گرامی داشتی و بمصدق آیه مبارکہ: وَتَخَرَّكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِتَّجِجاً یعنی و تسخر نمود از برای شما آنچه در آسمانها و زمین است از خودگی را و بمصدق آذغونی استجب لکم یعنی بخوانید مرا حاجت میکنم برای شما گفته اند: اِن يَّدْعُوا جَالاً اِذَا لَادُوا نَاداً یعنی بدستیکہ برای خدا مردانی ہست کہ ہر گاہ ارادہ نمایند و بخوانند چیز را او نیز خواهد خواند و ارادہ خواهد نمود: تسخیرات مافق اللہ برای آدمی ممکن است چیزیکہ ہست تسخیرات انواع بسیار است مثلاً تسخیر ملائکہ تسخیر ارواح تسخیر اجنہ تسخیر پریان تسخیر مخلوقات زندہ چہ ناطق و چہ صامت و تسخیر ماہ و ستارگان و خوردید و آتش و آب و باد و غیرہ و ہلم ہرا تسخیر حدیث مفصل سخنان ازین محل ملک ستور کا برای بعضی یا مجموع این تسخیرات ترک حیوانی بطور مطلق و ترک معامی کبیرہ و صغیرہ است و خواندن او کار و اوراد لازمہ کہ در این کتاب

نظماً و تراشگاشته شد و بالاخص دوری از خلق و اوراد نیز هست مثل بس مغربی  
آیه الکرسی مغربی، حمد مغربی، اخلاص مغربی که بسیار است دارد و از کار  
دیگر که در نزد مؤلف موجود است و تحقیق بر همه آنها را عمل نموده ام ولی ذکر آنها  
در این کتاب از نظر حفظ مرشدی و مرادی صلاح نبود چون اجازه پیر لازم دارد

وجه تسمیه کتاب

نخعی نماز که موعظ تمام این کتاب علم شدم که موضوع تسمیه این کتاب را  
ناگفته نگذارم و عرض کنم موفیکه این کتاب را یعنی اسماء الله را تمام و کمال  
رسانیدم و تا صرفت یا نوشتن نام آنرا که آنحروف و الاعداد کند اشم شب  
پنجشنبه ۲۴ جمادی الاولی قمری بود - در عالم رؤیای صادقه در موقع سحر  
دیدم رفقه ام نجف اشرف و خود را کلید دار حضرت مولی علی ۴ میدیدم و دست  
کلید در ای حرم مطهر حضرت را باز نمودم و موفیکه دارد شدم دیدم حضرت مولی  
علی ۴ در وسط حرم بدون هیچ حجابی نشسته اند و حقیر با نهایت احترام سلام  
عرض نمودم و حضرت جواب فرمودند و نیز فرمودند که نام این کتاب را  
کشف الهدایه بگذار عرض کردم اطاعت میشود و از خواب بیدار شدم و نام کشف  
را همان روز گزیدم تا فرمایش حضرت فراموش نشود و میخواهم عرض کنم

در فضیلت این کتاب همین بس که آنحضرت ناگذاری فرموده اند و برای  
روشن شدن اذان طالبان حق و حقیقت عرض میکنم که توحید داشتن تسلیم  
روحانی بودن یا در لباس درویشی و غیره مشبث شدن نیست و هیچ باب  
دلالت بر ایمان و توحید حق و حقیقت ندارد و عدم آن نیز دلیل بر  
عدم آنها نیست و این نکته نیز از جمله نکستی است که هیچ اهل منبر قادر بر بیان  
مطالب حق هرگز نتواند بود مگر اندکی - و هیچ مؤلفی توانایی نگاشتن احکام  
الله را ندارد مگر مقتدر - پس موضوعاتی هست که باید بوسیله پیران کامل  
و مرشدان دامل محرمانه بر مردان صادقین شود و حقیر یک موضوع را  
ایمانا باید عرض کنم و آن اینست که خدا را گواه و شاهد بجزیم که بیک جو خیال  
ریاست و مرشدی و پیروی درستی پرورانم بلکه بسیار از این فکر مستأ  
غلط دوری میوزم فقط موقعی خود را مسؤل میدانم که از این ناچیز سوالی در موضوع  
طریقت شود من قادر بجاوب باشم و بجه کمال خود پاسخ گویم البته آنهم باید از  
حق خواست که شونده یا سوال کننده لایق شنیدن مسائل حق را دانسته  
باشد و منظورش نیز از سوال مکر و حیل و استحمان و غیره نباشد چنانچه در عصر ما بسیار  
از مردمان سوال کنندگان از این قبیل مردمان بی حقیقت هستند بانه حق مکر

سر که را سحر حق آموختند

مهر کردند و دانش دوستند

در طی الارض

فقیر خیر گوید در طی الارض نوحی بسیاری دیده و دارم ولی این نسخه است  
آنهاست که درج سینام را میدارم خوانندگان و عمل کنندگان مراد دعا  
خیر فراموش نفرمایند \*

گفته اند اگر خواستی طی الارض را اول یک عصا از بادام تلخ تهیه کنی و از سر  
آن عصا شروع میکنی نقش نمودن اسما بالله بر آسی که در آن باشد مانند  
و انحفط و الحکیم و الکرم و الرشید و غیره و درین نقش نمودن میخوانی یا غنی  
دو مرتبه و یا دیوش و یا الله دو مرتبه و میخوانی این آیات را قَطَا تَوَجَّهْ تَلْقَاءُ  
مَدَیْنِ اِلَى الْبَسِیْلِ قِصَصِ آیه ۱۲ وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْتِهَا جَمَادِةٌ اِلَى تَفِیْعُلُوْنَ  
سوره نمل آیه ۸۸ - وَ اَوْحِیْنَا اِلَى مُوسٰی اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِیْ اِنْکُمْ مَبْتُوْنَ  
شعرا آیه ۵۲ - فَلَمَّا خَلَقْنَا اِلَى بَعْرَبِ - ق آیه ۳۸ وَ لَوْ تَرٰی اِذْ فَرَعُوْا  
اِلٰی مَکَانَ قَرِیْبٍ سَاءَ اِیْهِ وَ یَسْئَلُوْنَکَ عَنِ الْجِبَالِ لِاَمْنًا - سوره طه  
آیه ۱۰۵ - فلیس فوایش بلطاش بلطاش حرایش ملطاش ملطاش و کلیم فکلیم  
فقیر گوید نسخه فقط تا اینجا ذکر شده و دریافت اثر را حقیق عرض میکنم آنقدر باید

این آیات و اسما را در حالیکه رو بقبله نشسته و عصا در مقابل خود روی بجا  
گذارد و میخوانی تا موقعیکه عصا ب حرکت آید هر گاه مشاهده نمودی که عصا در حرکت  
است آنرا در دست راست بگیر و حرکت کن به طرف که میخواهی البته این  
آیات را که ذکر شده برای بکرته میخوانی یعنی یک جلسه بلکه هر روز اگر شود صبح  
بعد از نماز هر روز ادامه میدی یا شب بعد از نماز عشاء و با شرایط تسخیر است  
که گفته شد یعنی ترک جوانی و بجزر نموده و بقیه شرایط هر روز که شروع شود  
در همان مکان و در همان ساعت باید تکرار شود و الا باید از سر بگیرد و هر روز  
بکرته آیات و اسما، موکلین را بخواند و یکی از شرایط خاص آن این ماز را پنهان  
و الا اگر بگوید غیر استاد و مرشد این دستور کسرا عمل ضایع میشود \*

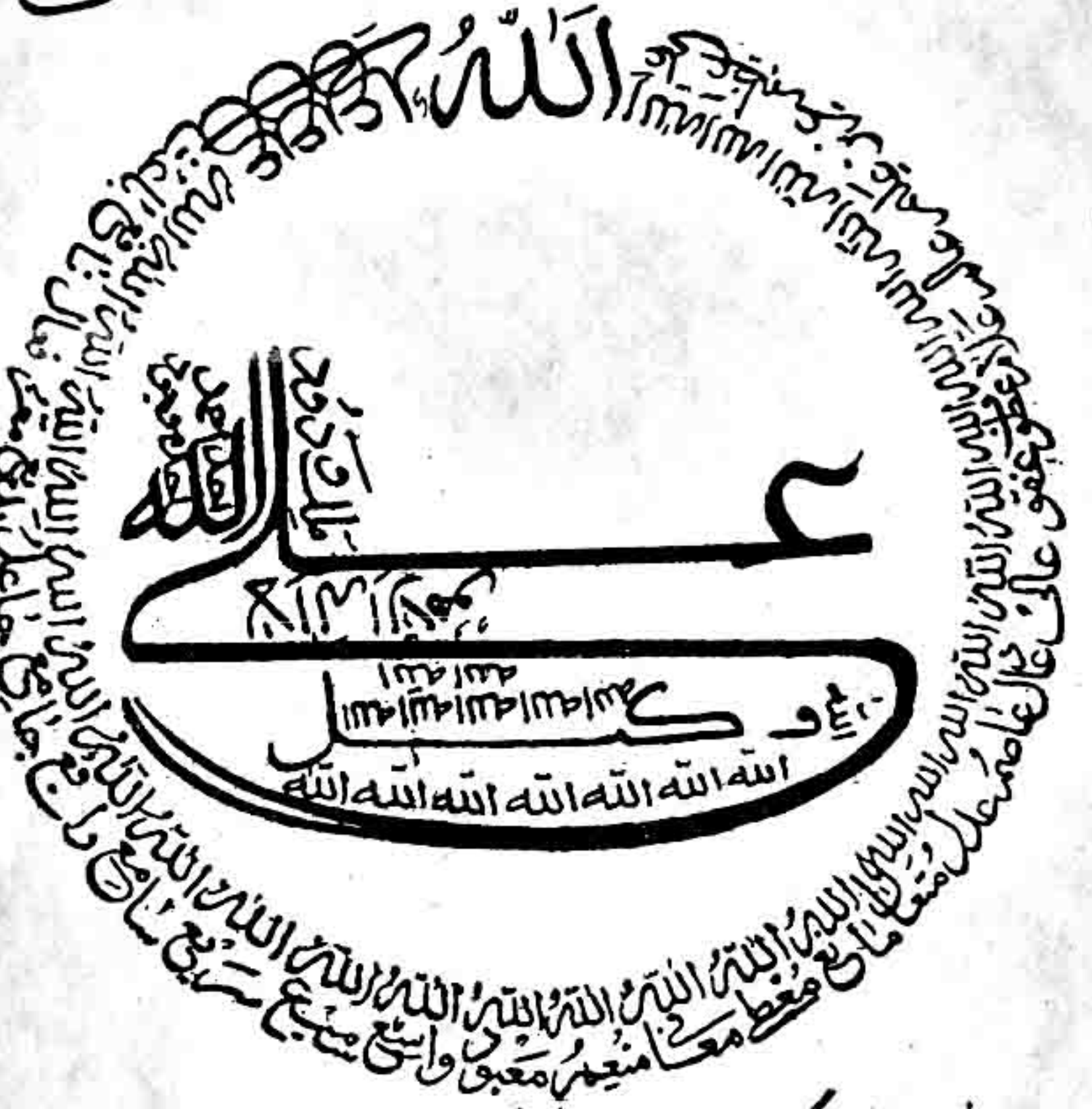
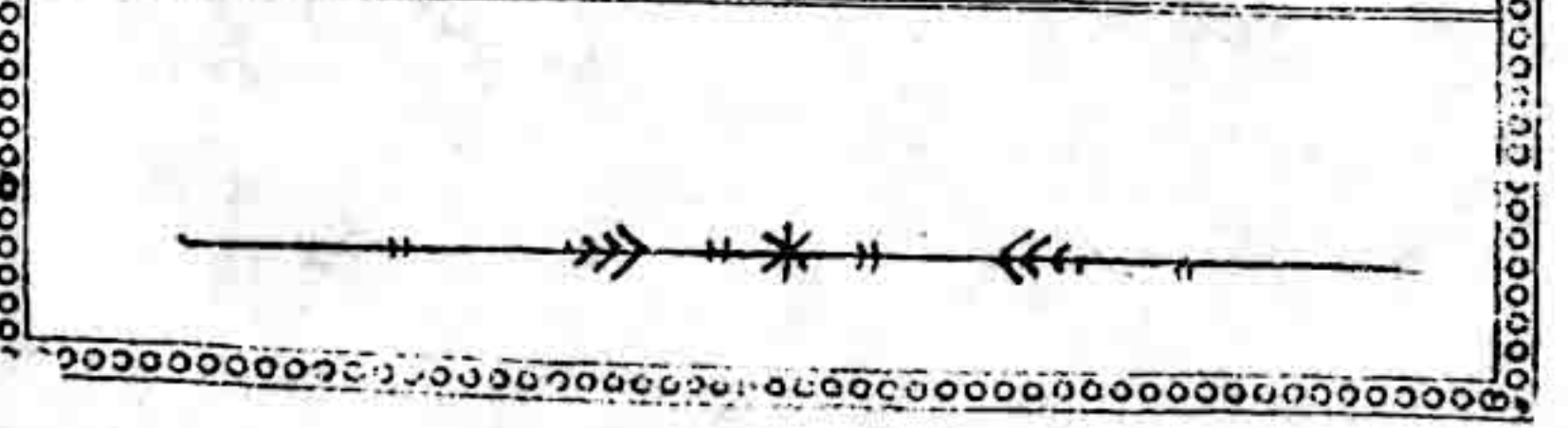
احضار اجنه

آیه وَ نَفِیْعٌ فِی الصُّوْرِ اِلَى مَحْضَرُوْنَ و آیه وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ الْجِنَّةَ اَنَّهُمْ لَمَحْضَرُوْنَ هٰذِهِ  
جهنم التي كنتم ربها توعدون اصلوها اليوم بها كنتم تكفرون: این آیات برای  
احضار ملوک اجنه و زجر ایشان است این آیات را چنانچه بر روی آب  
دیده از جن بنویسند فوراً بر خیزد و بر روی غشی بنویسد صحبت خواهد نمود  
و این آیات را اضافه کند: اَلْيَوْمَ نَخَمُ عَلٰی اَنْفُوْهِمْ لَ اَمْضِیْآ و لَا یَرْجِعُوْنَ

اور کلمات لجی الی آخرہ اللہ باز میگوئی اندر علی رجباً لقاد و سہ...  
 میگوئی حریہ حرہ العصفور و هو فی الفتن محصور مقهور \*

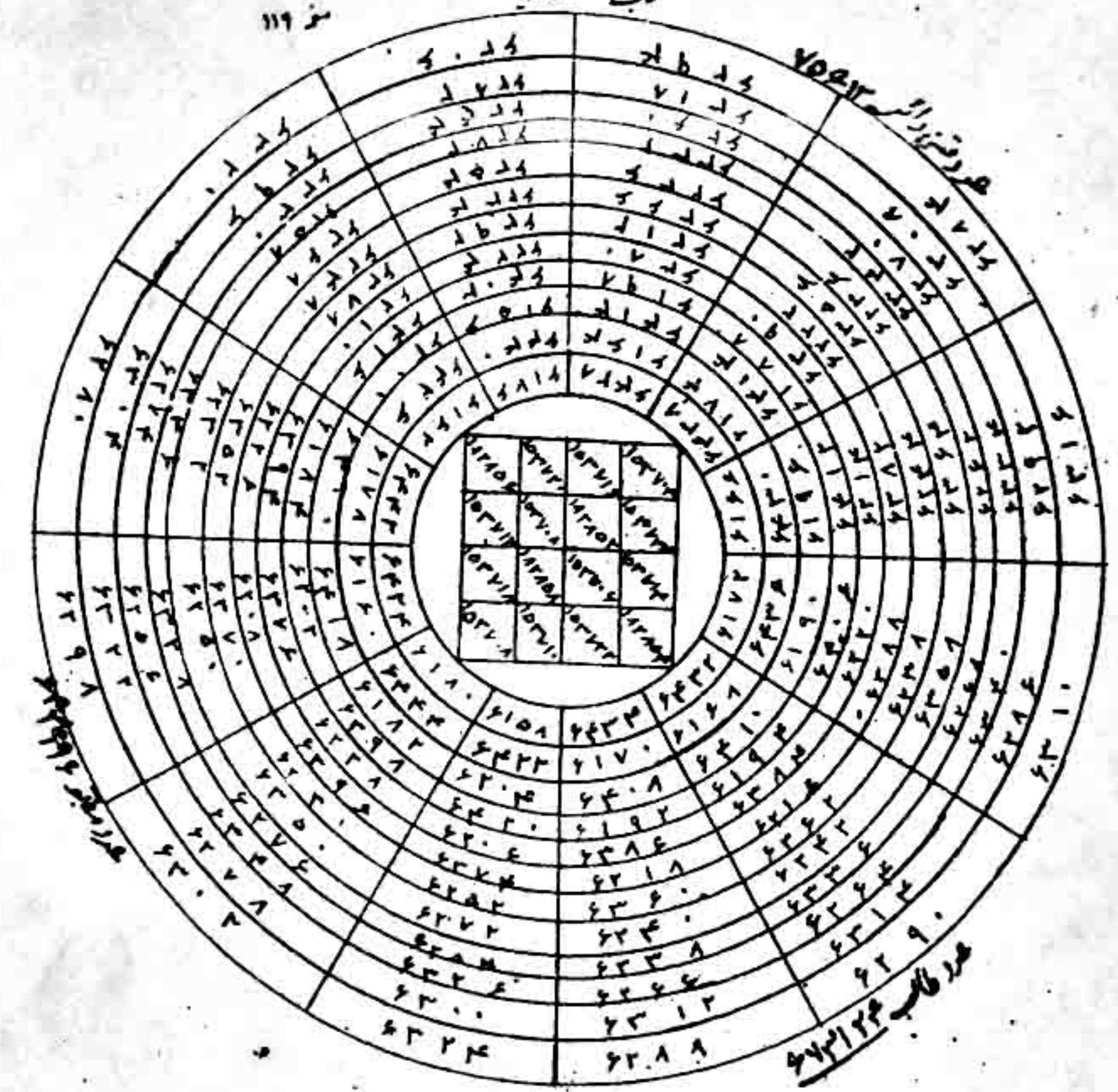
من ہمہ پیریان دیدم نجواب  
 بہ این تالیف در اسما حق  
 ز نیب گفتم بدل کی نیکنو  
 در تخلص قید کی باشد مرا  
 گاہ عالم گہ مدرس گفتم  
 گاہ کوئی بودہ ام در شعر نظم  
 من ہمہ آل پیسبرو دیدہ ام  
 لطفہا از راه یاری و کرم  
 جملہ اسرار نہان را آشکا  
 کہ نمودہ قدر دانی زین کتاب  
 از من ناخبر کا مدد حساب  
 در عمل کوش و با مش کن شب  
 گاہ عصوم گہی عالم تاب  
 گاہ شاہم گاہ شیخم کہ جناب  
 لیکت تغییرش بدادم بر صواب  
 کہ نمودہ مرحمت بر این سحاب  
 کردہ بر من تاکہ باشم در ثواب  
 گفتہ ام من تاکہ نایم در عتاب

من مدرسستم وائل علوم  
 فاش کردم جلد را من بی حجاب



در طلسم مضمون ولو لو گمگون از زمین الدین کافی کہ ہر کس روزی ہفتاد بار بر این شکل نظر کند  
 در حایکہ بخواند اللہ لا الہ الا هو الحی القیوم تا و هو العلی العظیم گرامی میدارد پروردگار  
 عالم صوت اور از ذلت نزد دیگران و ہر کس اور اگر در دست دہوا خواہ او شود و خدا بتعالی اور آماند  
 میکند بیاری خود و ناطق و گو یا من فرماید زبان اور بجاگت و در قایق علوم

فی طلسم المضمون وللؤلؤ المکنون عن ذین الدین الکافی ان من نظر الی شکل العین  
 فی کل یوم - بعضین مرۃ و هو یقرء اللہ لا الہ الا هو الحی القیوم الی قوله و هو العلی العظیم  
 کرم اللہ وجہہ من التذلل لنبیہ واجبہ کل من راہ و ایسئلہ اللہ بنصرہ و انطقہ بالحکمہ  
 و در قایق العلوم



در تاریخ رمضان المبارک ۱۳۸۳ هجری در چاپخانه خیرالحاج محمد علی علمی ستوده تعالی  
 طبع گردید و انشاء الله تعالی جلد دوم و سوم این کتاب شریف بزودی طبع و در دسترس  
 اهل این فن گذاشته خواهد شد - فقیر حقیر غلام اولیاء معصوم علیشاه جلالی ابوترابی ۱۳۸۳